

(عليه السلام)
شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق دست (۱) / حق الید

تاریخ ۱۳۹۳ / ۰۷ / ۰۶

فهرست

- تقوا شرط نجات از جهنم
- حقوق دست بر انسان
- دست، نعمتی زیبا و کارآمد
- با کاروان حج
- اهمیت فوق‌العاده دست برای انسان
- یادی از سرافرازان جبهه‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متعال به آنها صبر بیش از این و اجر فراوان کرامت کند و همه‌ی ما را قدرشناس این عزیزان سرافراز قرار بدهد؛ ان‌شاءالله.

■ تقوا شرط نجات از جهنم

در رساله‌ی حقوق، امام سجّاد (علیه الصّلاة و السّلام) حقوق اعضای اصلی را که از ناحیه‌ی این اعضا به عهده‌ی ما است، یک‌به‌یک بررسی می‌کنند. سرّ حق بودنش این است که هر کدام از این اعضا امانتی از سوی پروردگار عزیز است که در اختیار ما است؛ بنابراین به عهده‌ی ما حق پیدا می‌کنند و به مناسبت اینکه در خدمت ما هستند و در اختیار ما قرار گرفته‌اند و زندگی این جهانی ما با همین اعضا و جوارح سامان پیدا می‌کند و زندگی آخرتی ما با همین اعضا و جوارح ساخته می‌شود، امام سجّاد (علیه الصّلاة و السّلام) با ترتیب بسیار دقیق و با مطالب بسیار عالی، یک‌به‌یک این حقوق را به ما یادآوری می‌کنند. در حقّ پا یک نکته از امام (علیه

ایام فرخنده‌ی دفاع مقدّس را تبریک می‌گوییم که یاد زیباترین لحظه‌های زندگی یک ملت را در دل‌ها زنده می‌کند و یاد سال‌ها و روزهایی است که با قلم خون، تقدیر و سرنوشت ملت ما در آن ایام و لیالی قدر ملت ایران نوشته شد و رقم خورد. خوشحالیم که آنچه از این مقدرات نوشته شد، همه‌اش عزّت، سرافرازی، سربلندی، استقلال، آزادی و فرصت‌های معنوی و فرصت‌های شکفتن برای ملت عزیز ما است. به روان پاک شهدای عزیز، امام راحل عظیم الشان و همه‌ی کسانی که در این راه پرشکوه به ملت ایران خدمت کردند، درود می‌فرستیم. همچنین عرض ادب می‌کنیم به طور ویژه به محضر پرنور جانبازان عزیز و سلحشور و باصفا و بااخلاص مان و خانواده‌های عزیز و گرمای‌شان که جنگ برای همه تمام شد، جز برای جانبازان و خانواده‌هایشان که هر لحظه برای آنها همچنان سال‌های دفاع مقدّس را یادآوری می‌کند. امیدوارم خدای

الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) در این متن نورانی به یادگار برایمان ماند و آن این بود که فرمودند یادت باشد که با این پاها باید بر صراط قرار بگیری و حرکت کنی. این یک یادآوری بسیار مهم است که امروز که ما راه می‌رویم، یادمان باشد که بر صراط حرکت می‌کنیم. اگر انسان بتواند مرزهای الهی را در زندگی، رفتارها و اقداماتش رعایت کند، این به منزله‌ی عبور به سلامت از صراط است. عبور از صراط فقط و فقط با تقوا ممکن است. با قدم تقوا انسان می‌تواند از صراط به سلامت عبور کند. تعبیر بسیار تکان‌دهنده‌ی قرآن کریم درباره صراط این است: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»^۱ و هیچ‌کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است». این یک برنامه‌ریزی حتمی امضا شده و قطعی از سوی پروردگار متعال است. آیه بعدی مطلب جالبی را بیان می‌کند: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا»^۲ آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند، می‌رهانیم و ستمگران را به زانو در افتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم».

همه وارد می‌شوند، اما همه خارج نمی‌شوند. کسانی می‌توانند از این مسیر خطرناک به سلامت عبور کنند که اهل تقوا باشند. البته صورت عبور افراد متفاوت است. برخی اصلاً احساس نمی‌کنند که از چنین وضعیتی عبور کرده‌اند. بعد که رد شدند می‌گویند: «جُرْنَا وَ هِيَ خَامِدَةٌ»^۳ به آنها گفته می‌شود: مگر از آتش نگذشتید؟ می‌گویند: نه! ما اصلاً آتشی ندیدیم. نور مؤمن بر نار جهنم غلبه می‌کند و آنهایی که شدید‌النور و فوق‌العاده اهل تقوا هستند، چنین وجود پربرکتی دارند و در روایت دارد که مثل برق جهنده عبور می‌کنند. اما دیگران معطلی‌هایی دارند و به آسانی از صراط نمی‌گذرند. اهل تقوا در هر مرتبه‌ای که باشند، سرانجام نجات پیدا می‌کنند: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» ظالمین که معنای بسیار گسترده‌ای در فرهنگ قرآن کریم دارد، در آنجا متوقف می‌مانند. این آیه به همه‌ی ما یادآوری می‌کند که نوع حرکت ما در مسیر زندگی‌مان، نحوه‌ی عبور ما از صراط را ترسیم می‌کند. دنیا همان

محیط پر از آتشی است که بنا است انسان مؤمن به برکت تقوایش به سلامت و ابراهیم‌وار از عبور کند. همه‌ی اطراف ما آتش است. انواع و اقسام و سوسه‌های شیطانی و راه‌هایی که به صورت متفرق در کنار صراط مستقیم است، در واقع همان جهنم است. در قرآن کریم تصریح شده است که آتشی که درباره‌ی کفار گفته می‌شود، همینجا بر آنها غلبه دارد. رفتارها و اندیشه‌هایشان، جهنم را به معنای ابدی‌اش می‌سازد. بنابراین یادمان باشد که در چنین محیطی سیر می‌کنیم. اگر انسان بخواهد در چنین محیطی به سلامت بماند، باید به قاعده‌ی حضرت سلام زندگی کند. خداوند سلام است: «هُوَ السَّلَامُ، مِنْهُ السَّلَامُ، لَهُ السَّلَامُ، إِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ»^۴ و خدا است که: «يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ» ما را به سلامتی و عافیت دعوت می‌کند. این سلامت و عافیت با تقوا فراهم می‌شود؛ یعنی زندگی طبق نقشه و خواسته‌ی خالق و مالک ما، باید آمیخته با تقوا باشد. این یادآوری بود که امام سجاد (علیه السلام) به مناسبت حق پا به ما داشتند. طبق نص قرآن کریم و کلمات اولیاء خدا،

در محشر، همه با همین پاها سیر خواهیم کرد و از صراط باید عبور کنیم. کسی می‌تواند آنجا عبور کند که اینجا طبق موازین حرکت کرده و زندگی کرده باشد که همان تقوا است.

■ حقوق دست بر انسان

امام (علیه الصلاة والسلام) با این تعبیر ما را با حقوق دست‌هایمان آشنا می‌کنند: «وَأَمَّا حَقِّي يَدِكَ فَأَنْ لَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ» حق دست تو این است که هیچ‌گاه دستت را به سوی آنچه که برای تو حلال نیست دراز نکنی. «فَتَنَال بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجَلِ وَ مِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ» اگر کسی دست‌درازی کند به سوی آنچه که حرام شمرده شده، در این صورت در آجل، یعنی در آخرت، از سوی خدای متعال عقوبت متوجه او خواهد شد و مورد عذاب قرار خواهد گرفت و اگر کسی رعایت نکرده باشد، در همین دنیا نیز مورد سرزنش مردمان قرار خواهد گرفت: «وَمِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ» به سرزنش مردمان مبتلا خواهد شد. بعد حضرت ادامه

دادند: «وَلَا تَقْبِضْهَا مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا» اما آنجایی که خدای متعال انجام کاری را بر تو واجب کرده، نباید آنجا دستت را جمع کنی و آن را بکشی. آنجا اتفاقاً جای اقدام و گشاده‌دستی است. این هم فراز دوم. «وَلَكِنْ تُوَفَّرَهَا بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا يَجِلُّ لَكَ» باید دست‌های خودت را گرامی بداری، چگونه؟ به اینکه حتی آنها را به سوی خیلی از چیزهایی که حتی برای تو حلال هم شده، دراز نکنی. خیلی چیزها هست که انجام دادنش حلال است، اما در شان تو نیست، برای تو کم است، مکروه است. آنجا هم دستت را حفظ کن. «وَبَسْطِهَا إِلَى كَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا» در عوض تا می‌توانی دستت را به سوی کارهایی باز کن که بر تو واجب نشده، اما انجام دادنش برای تو شایسته است. اگر کسی توانست چنین رفتاری را داشته باشد و بتواند این حقوق را به درستی انجام بدهد، در دنیا به شرف، خردمندی و بزرگی شناخته می‌شود: «شُرِّفَتْ فِي الْعَاجِلِ» و در آخرت نیز پاداش خدای متعال را کسب خواهد کرد: «وَجَبَّ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ مِنَ اللَّهِ فِي الْآجِلِ»

امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) در چهار محور این حقوق را به ما یادآوری کردند: اول، حفظ دست‌ها است از اینکه آلوده بشود به گناه و معصیت و آنچه که برایش حلال نیست. دوم، انجام آنچه که خدای متعال بر او واجب کرده و باید به وسیلهی همین دستها آنها را انجام داد. سوم، پاسداشت این دست‌ها و نگه داشتن حرمتش است، به این ترتیب که آن را از مکروهات حفظ کند. چهارم نگه داشتن احترام دست با اینکه او را به سوی امور مطلوب و مستحب، هرچند واجب هم نباشد، باز کند و اقدام داشته باشد. محصول چنین اقدامی شرف در دنیا و پاداش در آخرت است. جمله‌ی زیبایی هم ذیل فراز و حقّ اول داشتند، فرمودند اگر کسی دستش به سوی حرام گشوده بشود، علاوه بر اینکه در آخرت مورد عقوبت قرار می‌گیرد، در همین دنیا هم مورد سرزنش قرار خواهد گرفت؛ این تقریباً ترکیب بحث ما در باب حقّ دست خواهد بود؛ ان‌شاءالله.

■ دست، نعمتی زیبا و کارآمد

طبق روایی که در باب سایر حقوق

هم داشتیم، مقدمه‌ای را عرض کنم. مقدمه‌ی اول اینکه دست‌هایمان نعمت بسیار بزرگ و آفریده‌ی بسیار شگفتی است که در اوج سادگی، در عالی‌ترین سطح از پیچیدگی‌ها است. ما هیچ‌وقت از این زاویه به دست‌هایمان نگاه نکرده‌ایم؛ چون تا یادمان است، این دست‌ها به ما خدمت کرده‌اند و در خدمت ما بوده‌اند. هر فرمانی عقل و مغز ما به آنها صادر کرده و هر تصمیم و اراده‌ای که ما گرفتیم، این دست‌ها انجامش دادند؛ لذا کمتر به آنها توجه کرده‌ایم، مثل سایر اعضا و جوارح. یکی از برتری‌های انسان بر سایر موجودات، همین دست‌هایش است. هم از نظر حُسن و زیبایی و تنظیم، فوق‌العاده زیبا و جذاب خلق شدند و هم از نظر کارآمدی واقعاً فوق‌العادگی دارند. خدای متعال به دست‌های ما هم قدرت فراوان و هم سرعت فوق‌العاده برای اقدام داده است. ظرافت، استحکام و انواع و اقسام ابتکارها که به وسیله‌ی دست‌های ما امکان پذیر می‌شود، و حسّاسیت در شناخت و لمس، از دیگر ویژگی‌های دست ما است. بخش عمده‌ای از حسّ لامسه‌ی

ما که فعال است و ما را با جهان پیرامونی مرتبط می‌کند و پیام‌های روشنی را به مغز ما می‌فرستد و مخابره می‌کند، از طریق دست‌های ما صورت می‌پذیرد.

■ با کاروان حج

نکته‌ی دوم اینکه با توجه به اینکه در ایام حج هستیم، از نظر روحی خودمان را با حجاج همراه کنیم، اولاً، هر صبح صدقه‌ای به نیت سلامتی همه‌شان زیر سایه‌ی حضرت بقیّه الله الاعظم (ارواحنا فداه) تقدیم بکنیم و بعد از همه‌ی نمازهایمان، یک دعا هم برای آنها داشته باشیم، برای اینکه خدای متعال اعمالشان را قبول کند، اخلاصشان را زیاد کند، بتوانند به شایستگی کارهایشان را انجام بدهند و حجشان باعث عزّت اسلام بشود. نتیجه‌ی این دعاها این می‌شود که ما هم ان‌شاءالله، به لطف خدای متعال در دعاها و در اعمال آنها سهیم و شریک می‌شویم. این چند روز این حسّ را در خود دائماً تقویت کنیم. اخبار حجاج را پیگیری کنیم، الان کجا هستند، چه کار می‌کنند، به طواف فکر کنیم، به مسجد الحرام فکر کنیم، به مسجد النبی (صلّواهُ

الله و سَلَامُهُ عَلَيْهِ) فکر کنیم. در این ایام به هر شکل ممکن خودمان را با حاجی‌ها قاطی کنیم. من همیشه به دوستانم پیشنهاد می‌دهم که در این فاصله یک کتاب راجع به حج بخوانند. مثلاً کتاب‌هایی که درباره‌ی اسرار حج است، مثل صهبای صفا یا کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ اماکن مقدسه نوشته شده، آنها را مطالعه کنند.

■ اهمیت فوق‌العاده دست برای انسان

دست‌ها به حسب ظاهر ساختار ساده‌ای دارند. بازو، ساعد و کف دست و انگشتان، با ترکیب بسیار بدیع از استخوان‌های درشت و ریز و از عضلات و از اتصالات و پیوندها، و از شبکه‌ی اعصاب با آن کیفیت فوق‌العاده، سازماندهی شده و در اختیار ما قرار گرفته است. جالب است که دست‌های ما امکان حرکت به سوی بالا، پایین، پشت سر، عقب، جلو، راست و چپ را دارد. یعنی دست به همه‌ی جهات حرکت می‌کند؛ علاوه بر اینکه بخش پایینی دست به مدد بخش‌های بالاتر به اطراف هم

می‌چرخد و حالت‌های مختلف به خودش می‌تواند بگیرد. قدرتی که خداوند متعال و عزیز ما در انگشتان انسان قرار داده با این ترکیب فوق‌العاده بدیع و زیبا، ویژه‌ی ما آدم‌ها است. بدون استثنا تقریباً همه‌ی کارهایی که می‌خواهیم انجام بدهیم، با دست ما سر و کار پیدا می‌کند. به خود ما، خدماتی را انجام می‌دهند. اگر خدای نخواست این دست‌ها به هر دلیلی خدمت نکنند، چه اتفاقی برای انسان می‌افتد؟ حتماً یک یا دو یا چند نفر باید کمک بکنند تا ما بتوانیم کارهای بسیار ساده و معمولی را که هر روز به صورت خیلی عادی انجام می‌دهیم، انجام دهیم. انسان حساب بکند بدون دست بخواهد لباس بپوشد، یا حتی به قول بعضی‌ها اگر فقط انگشت شست ما دچار مشکلی شود، دیگر ما حتی امکان بستن یک دکمه را هم نخواهیم داشت. صدها اقدامی که ما خیلی راحت انجام می‌دهیم، همه‌اش با دست صورت می‌گیرد. هم بزرگ‌ترین و سخت‌ترین کارها، هم ظریف‌ترین و کوچک‌ترین و لطیف‌ترین کارها،

همه‌اش به وسیله‌ی این دست‌ها انجام می‌شود. خیلی نعمت بزرگی است. خدای متعال و عزیز و مهربان ما، یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های خودش را در سر انگشتان ما تعبیه کرده است. در آیات ابتدای سوره‌ی مبارکه‌ی قیامت می‌خوانیم: «لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ، أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ، بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِّي بَنَانَهُ؛^۵ نه! سوگند به روز رستاخیز، و [باز] نه! سوگند به و جدان سرزنشگر! آیا انسان می‌پندارد که هرگز ریزه استخوان‌هایش را گرد نخواهیم آورد؟! آری [بلکه] تواناییم که [خطوط] سر انگشتانش را [یکایک] درست [و بازسازی] کنیم». یکی از دانشمندان بزرگ آلمانی مسلمان می‌شود. از او سؤال کردند که چرا به اسلام گرویده است. در پاسخ، به این آیات اشاره کرده بود.

این ترکیب بدیع خطوط سرانگشت انسان‌ها، نماد هویت آنها است. میلیاردها انسان با سرانگشتانشان را در شناخته می‌شوند. این یک معجزه‌ی بزرگ الهی در سرانگشت ما و معجزه‌ی بزرگ‌تر، اعلامش در قرآن

کریم است. این هم از نشانه‌های بزرگ خدای متعال است که در سرانگشتان ما است. البته ناخن‌ها که موجب زیبایی هستند، پشتوانه‌ی فوق‌العاده‌ای هستند برای همین سرانگشتانی که بسیاری از کارهای اصلی در زندگی ما به وسیله‌ی همین سرانگشتان ما انجام می‌شود. کارهای بسیار ظریف و لطیف با وجود ناخن‌ها امکان‌پذیر می‌شود، و کارهای فوق‌العاده مهم و حساس، مثل نوشتن و ده‌ها کار از این قبیل، توسط سرانگشتان ما انجام می‌شود. یک طیب خبیر و حکیم می‌تواند وضعیت شما را از نظر سلامت و بیماری و بسیاری از شرایط دیگر را از وضعیت و حالت و کیفیت دست‌ها درک بکند. غیر از نبض که بخش صریحش تا حد زیادی در دست‌ها است، از حالات ناخن‌ها و از رنگ ناخن‌ها متوجه می‌شود شما در چه وضعیتی از نظر سلامت یا بیماری هستید.

خواستم به همه یادآوری بکنم تا بدانیم خدای متعال چه نعمت بزرگی را در اختیار ما قرار داده است. یادمان باشد که همین دست‌ها با همین کیفیت که در خدمت ما هستند،

بالاتر از این در محضر رَبِّ الْعَالَمِينَ و خالق خودشان هستند، روزی تمام آنچه را که انجام داده‌اند، گزارش خواهند کرد و شهادت خواهند داد. به نصّ قرآن کریم، همه‌ی اقداماتی که از اوّل تا آخر عمر انجام می‌دهیم، همه در لوح فشرده‌ی دست‌های ما ثبت می‌شود، همچنان‌که درباره‌ی پاها گفتیم.

دست‌ها در انسان، مظهر عمل و اقدام، قدرت، حمایت، مهر و نشانه‌های اصلی هستند که تمام وجوه و جنبه‌های گوناگون شخصی و اجتماعی ما را سازماندهی می‌کنند. از یک سو خدای متعال در آفرینش دست‌های ما حُسن و زیبایی قرار داده و از طرف دیگر کارآمدی و کارایی فوق‌العاده. دست زبان اندیشه و خرد آدمی است که اصطلاحاً می‌گویند زبان دوم ما دست‌های ما است. خدای متعال این امکان را برای انسان قرار داده که بتواند با دست‌هایش بنویسد و هرچه ما میراث علمی از گذشته داریم، محصول دست‌های دانشمندان بزرگی است که فهم خودشان را از قوانین آفرینش با همین سرانگشتان و به وسیله‌ی قلم‌ها نوشتند و درود

خدا بر روان پاکان و گرامیان و بزرگان از دانشمندانی باشد که این دانش‌های سودمند را در اختیار ما قرار دادند.

خدای متعال در قرآن کریم وقتی می‌خواهد انبیاء را توصیف کند، می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيْمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوْبَ اُولٰٓئِیْهِ وَ الْاَبْصَارَ» و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یادآور». این آیه خیلی زیبا است. تعبیر «عِبَادَنَا» خیلی شیرین است؛ یعنی خدای متعال اینها را پسندیده و قبولشان کرده است. ابراهیم، اسحاق و یعقوب را با چه ویژگی به یاد بیاور؟ «اُولٰٓئِیْهِ وَ الْاَبْصَارَ» اینها هم صاحب قدرت و توان بودند، و هم صاحب بینش و فهم که فهم آنها را با چشمشان «اَبْصَارَ»، معرفی می‌کند، و توان و قدرتشان را با «اَلْاَیْدِی».

همیشه وقتی از یک نعمت بزرگ یاد می‌شود، در کنارش هم آسیب‌ها به یاد ما می‌آید. همین دست‌ها که عطا می‌کند، حمایت می‌کند، محبّت می‌کند، عدالت‌گستری می‌کند، موانع را برطرف می‌کند، می‌تواند کاملاً برعکس عمل کند

و همه‌ی گره‌هایی که به زندگی‌ها می‌افتد، همه‌ی موانعی که به وجود می‌آید، بسیاری از آسیب‌هایی که در زندگی ما انسان‌ها وارد می‌شود و ظلم‌ها و ستم‌ها و فسادها و فحشا و...، اینها نیز به وسیله‌ی همین دست‌ها رُخ می‌دهد. از این جهت باید به پروردگار متعال و عزیزمان پناه ببریم.

یک یادآوری به نظرم زیبایی است برای همه‌ی ما که هم حالت شکر برای ما فراهم بشود و ان‌شاءالله از این ظرفیت استفاده کنیم.

زیباترین حالت دست مؤمن یکی در نماز است؛ وقتی به قنوت برداشته می‌شود. زیباترین حالت دست مؤمن باز در نماز است، وقتی به شما کمک می‌کند در رکوع مستقر بشوید و در حالت تسویه قرار بگیرید. همین دست‌ها در سجده همراه با همه‌ی وجود شما در اوج خضوع در پیشگاه حضرت حق قرار می‌گیرد و می‌شکند و به شما کمک می‌کند که یک سجده‌ی با حال و عارفانه و زیبا را در پیشگاه پروردگار عزیز و مهربانتان داشته باشید. همین دست‌ها است که به ما کمک می‌کند در نماز مؤدبانه

در پیشگاه پروردگار متعال بایستیم، حالت خضوع و خشوع را در ما نشان می‌دهد. همین دست‌ها است که به جهاد در برابر دشمنان خدا قرار می‌گیرند و مرزها را صیانت و نوامیس را حفاظت می‌کنند. همین دست‌ها است که در احسان به خلق و رسیدگی به انسان‌های ضعیف یاری‌گر آنها است. یکی از زیباترین صحنه‌های دست‌های یک مؤمن، در احسان در برابر خلق است. در ارتباط با توسعه و نشر، اندیشه زیباترین حالت دست‌ها وقتی است که به قلم می‌رود و شروع می‌کند به نوشتن و دریافت‌های عالی از دستگاه خلقت.

همین دست‌های مؤمن، مظهر مهر و عاطفه و امنیت و آرامش در خانواده است. در اصطلاح می‌گوییم: دست پدر بالای سرتان باشد، دست مادران بالای سرتان باشد. این اصطلاح حکایت از این است که این دست‌ها نماد مهر، عاطفه، حمایت، پشتیبانی و امنیت در فضای خانواده و مهرگستری در محیط زندگی ما است. امیدوارم از این دست‌ها که یکی از بهترین ابزارهایی است که خدای متعال برای ساختن جهان در

اختیار ما قرار داده، برای آباد کردن، کار، ساختن و سازندگی استفاده کنیم. ما در دعای رفیعی که در قرآن کریم است که دعای عالی توحیدی است، می‌گوییم: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْخِلُ مَنْ تَشَاءُ بِنَدْوِكَ الْخَيْرُ»^۷ بگو: بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی، عزت بخشی و هر که را خواهی، خوار گردانی. همه‌ی خوبی‌ها به دست تو است». تعبیر دست خدا در اینجا خیلی تعبیر زیبایی است. تعبیر دست خیر ذیل دست خدای متعال است؛ یعنی آنچه خدای متعال می‌پسندد این است که دست انسان‌ها به خیر گشوده باشد و همیشه دیگران از دست شما توقع یاری، مهربانی، حمایت، کارگشایی و مددسانی داشته باشند.

■ یاد‌ی از سرفرازان جبهه‌ها

بزرگ‌ترین خیررسانی را کسانی به جامعه‌ی ما انجام دادند که دستشان را برای ملت ما دادند. در ادبیات

شیعه، دست با عَبَّاس (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) شناخته شده است، و با وفا و نصرت و ایثار. علامت دست در فرهنگ خیلی علامت عجیبی است. دست بیعت است، دست یاری است، دست وفا است و دست ایثار که در پایان هم فدا می‌شود. همین‌جا است که انسان به تعبیر خودمان به یاد عَبَّاس‌های انقلاب اسلامی می‌افتد که در دفاع هشت‌ساله و در سایر صحنه‌های مقاومت، دستشان به یاری و جهاد و احسان و خیررسانی آمد و بزرگ‌ترین خیر را به جامعه‌ی ما رساندند و دست‌هایشان را تقدیم کردند. با تقدیم دست‌هایشان، به حضرت عَبَّاس (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) تأسی کردند. حقیقتاً این یادها برای ما روشن‌کننده‌ی دل‌ها است. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی به حق حضرت عَبَّاس (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) این خدمت بزرگ را از عزیزانمان به لطفش و کرمش بپذیرد و همه‌ی دست‌هایی که به خیر گشوده است، همه‌ی پزشکانی که با همین دست‌ها طبابت می‌کنند، جراحی‌های دقیق و حساس را در خدمت به سلامت جامعه انجام

می‌دهند، تا آن دست‌هایی که می‌سازند، تا آن دست‌هایی که در صنعت خدمت می‌کنند، تا آن دست‌هایی که در نگارش و در توسعه‌ی دانش مشغول خدمت هستند، همه را به لطف و کرمش تأیید کند و موفق بدارد.



■ منابع و مأخذ:

۱. مریم: ۷۱.
۲. مریم: ۷۲.
۳. فیض کاشانی علم الیقین، ج ۲، ص ۹۷۱.
۴. در تعقیبات مشترکه چنین آمده است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ»
۵. قیامت: ۱-۴.
۶. ص: ۴۵.
۷. آل عمران: ۲۶.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیبه ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

